



فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام - سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹

چرخش سیاست خارجی عربستان در قبال عراق (۲۰۰۳-۲۰۲۰): گذار از تقابل هویت محور به هم‌گرایی منفعت‌گرا

محمد سلطانی نژاد^۱ - استادیار دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران، تهران، ایران

علی شمس‌آبادی - دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

منا خلیفاتی - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۹/۸/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۱۹

ص ۶۸ - ۳۳

چکیده

عربستان سعودی، همواره، به تحولات عراق با حساسیت بالایی می‌نگریسته و پتانسیل عظیمی از توانمندی خود در سیاست خارجی را صرف این کشور کرده است که طبیعتاً این موضوع، به‌ویژه پس از ۲۰۰۳ که نگرانی‌های ریاض در قبال معادلات بغداد را بیشتر نمود، در طراحی نقشه قدرت در غرب آسیا اثری شگرف داشته است. با وجود این اهمیت، نگاه و اقدامات خاندان سعودی در قبال عراق پس‌اصدام و پس‌اداعش بدون تحول نبوده است. مقاله حاضر به بررسی سیاست عربستان در عراق از سال ۲۰۰۳ تا میانه سال ۲۰۲۰ پرداخته است و با شناسایی یک نقطه چرخش مهم در سال ۲۰۱۶ طی این بازه زمانی، به این پرسش اصلی پاسخ می‌دهد: تحول سیاست خارجی عربستان در قبال عراق پس‌اصدام چگونه بوده است؟ فرضیه‌ای که برای پاسخ به این سؤال مطرح شده است، از این قرار است: نگاه غالب بر سیاست عربستان در قبال عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، منبعث از دغدغه‌های هویتی و رقابت‌های شیعی‌سنی و عربی‌غیرعربی، تقابلی بوده و از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ با توسعه مناسبات اقتصادی سیاسی با دولت عراق هم‌گرایی داشته است. برای

E-mail: soltaninejad@alumni.ut.ac.ir

۱. نویسنده مسئول



آزمودن این فرضیه، با روش توصیفی تحلیلی، ضمن بهره‌گیری از نظریات سازه‌انگاری و نوکارکردگرایی، تبیین شده است که از سال ۲۰۱۶ به بعد، عربستان با مشاهده شکست سیاست‌های برآمده از رویکرد شیعه‌ستیز و مواجه شدن با نتیجه‌های عکس آن، از یک بازیگر متعصب سنی ضد دولت غالباً شیعی عراق به یک بازیگر هم‌گرا و همکار با عراق برای جهت‌دهی به معادلات سیاسی این کشور تبدیل شده است.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، عراق، ثبات‌زدایی، تنش‌زدایی، سازه‌انگاری، نوکارکردگرایی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

غرب آسیا منبع اصلی انرژی، شاهراه ترانزیتی و مهد تمدن اسلامی است. متأثر از این واقعیت‌ها، روندهای این ناحیه غالباً بازتاب‌های محسوسی در گوشه‌وکنار جهان داشته و از همین رو، این منطقه به آوردگاه بینالمللی بازیگران جویای قدرت تبدیل شده است. یکی از این بازیگران، عربستان سعودی و یکی از این آوردگاه‌ها عراق است. عربستان مهد وهابیت، با کنترل بر مکه و مدینه زمینهای اعمال نفوذ مذهبی در جهان اسلام را به دست آورده و با تکیه بر منابع نفتی به بازیگری اثرگذار بر معادلات منطقه‌ای تبدیل شده است. از سوی دیگر، عراق، کشوری با اکثریت عرب و در زمره بزرگ‌ترین صادرکنندگان نفت جهان است که همراه‌شدنش با هر کشوری، وزنه قدرت آن را به‌نحوی چشمگیر افزایش می‌دهد. با توجه به این نکات، شناخت سیاست خارجی عربستان در قبال عراق، نه تنها از منظر منطقه‌ای، بلکه به لحاظ بین‌المللی، مهم و ضروری است؛ از این رو سؤال اصلی مقاله را چنین طرح کردیم: تحول سیاست خارجی عربستان در قبال عراق پس‌اصدام چگونه بوده است؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش، نویسندگان، این فرضیه را به آزمون می‌گذارند که نگاه غالب بر سیاست عربستان در قبال عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، منبعث از دغدغه‌های هویتی و رقابت‌های شیعی سنی و عربی غیرعربی، تقابلی بوده است و از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ با توسعه مناسبات اقتصادی سیاسی با دولت عراق هم‌گرایی داشته است. نگارنده این نوشتار می‌کوشد با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از نظریه‌های سازهانگاری و نوکارکردگرایی به تبیین سیاستهای عربستان در قبال عراق بپردازد.



در این مقاله، پس از برشمردن علل اهمیت عراق برای عربستان، به بررسی نگاه و اقدامات عربستان در قبال عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ و از ۲۰۱۶ تا پایان ۲۰۱۹ پرداخته می‌شود. در این راستا به منظور ارائه دیدگاهی مستدل و دقیق، آثار نویسندگان ایرانی و خارجی درباره رابطه عربستان و عراق مطالعه شده است و ضمن استخراج مؤلفه‌های اصلی سیاست خارجی عربستان در قبال عراق پس از ۲۰۰۳، این مقاله ایده و وقوع تحولی مهم در نگاه عربستان سعودی در قبال عراق را مطرح کرده است. هرچند دیگران نیز متوجه چنین چرخشی بوده‌اند، این تحول تاکنون مورد تبیین دقیق قرار نگرفته است.

۱. پیشینه پژوهش

مقاله «انگاره‌های هویتی و تبیین سیاست خارجی عربستان در قبال عراق» نوشته سجاد مرادی در سال ۱۳۹۵ از سودمندترین نوشته‌های موجود در راستای این پژوهش بود. در این مقاله، نویسنده چنین ادعا می‌کند که عمده آثار موجود آکادمیک در رابطه سیاست عربستان در قبال عراق، بیشتر بر مبنای نظریه واقع‌گرایانه است و جنبه‌های هنجاری موضوع مغفول مانده است. طبق یافته‌های مقاله مذکور، عربستان متأثر از مؤلفه‌های هویتی خود، همچون وهابیت و ایران‌ستیزی، سیاست خارجی خود در عراق را چیده است؛ اما گنجاندن مباحثی همچون نفت در عناصر هویتی، تا حدی، جمعی نامتجانس به نظر می‌رسند (Moradi, 2016).

مقاله «تبیین سیاست خارجی عربستان سعودی در قبال تروریسم تکفیری در عراق و سوریه» نوشته مهدی هدایتی و سجاد مرادی در سال ۱۳۹۶ است. نویسندگان این اثر اطلاعات مفیدی درباره حمایت سعودی‌ها از تکفیر در منطقه و علل آن ذکر کرده‌اند. از جمله علل اصلی که به اعتقاد این دو نویسنده



باعث ترویج تکفیر در منطقه از سوی ریاض شده است، ترس حکام عربستان از سرایت شیعی‌گرایی در نواحی غنی از نفت این کشور است. این مقاله هرچند به لحاظ ارائه برخی شواهد در تائید ادعای خود قوی عمل کرده است، ضعف اصلی آن، نگاه به مسئله حمایت از وهابیت در منطقه توسط سعودی‌ها با عینک واقع‌گرایی تدافعی است. در واقع، مشکل اصلی این پژوهش این است که انگیزه عربستان از ترویج وهابیت در منطقه را تدافعی ارزیابی کرده است؛ حال آنکه حملات مکرر قبایل وهابی عمدتاً بدون پاسخ متقابل شیعیان در طول تاریخ رخ داده و این، خود یکی از مواردی است که وجود انگیزه تدافعی در تفکر وهابیت در مقابله با شیعه را زیر سؤال می‌برد. اصولاً حاکمان آل سعود، در حدود دو قرن پیش با حمایت وهابی‌ها روی کار آمدند و این خود باعث می‌شد تحت دین آن‌ها، اندیشه این مکتب را ورای مرزها تقویت کنند.

گزارش «عراق در بحران»^۱ را یکی از نام‌آورترین تحلیلگران غربی متخصص در امور غرب آسیا، آنتونی کردزمن^۲ تهیه کرده است. این گزارش که برای اندیشکده مطالعات بین‌المللی و استراتژیک^۳ نوشته شده است، ابعاد مختلف و مهمی از بحران عراق را به تصویر می‌کشد و در آن، به صورت تلویحی، به نقش وهابیت عربستان در بروز این بحران صحنه می‌گذارد. اما آنچه ضعف این نوشتار است، تأثیرپذیری آن از نگاه ضد ایرانی است که باعث شده است تهران را یکی از عوامل بروز تنش در بغداد معرفی کند (Cordesman & Khazai, 2016).

۱- Iraqi in Crisis

۲- Anthony Cordesman

۳- Center for Strategic and International Studies



اما در گزارش «عربستان سعودی و عراق»^۱ که جوزف مک‌میلان آن را در اندیشکده مؤسسه صلح آمریکا^۲ در ۲۰۰۶ تهیه کرده است، نویسنده پس از بررسی سیر روابط تاریخی عراق و عربستان، شواهدی را دال بر کمکهای ریاض به بغداد و هم‌زمان ثبات‌زداییهای آن علیه دولت تازه تأسیس غالباً شیعی ارائه می‌کند. گرچه اعتراف به تنش‌آفرینی عربستان به عراق از سوی نویسنده آمریکایی جالب توجه است، تأکید وی بر ارادهٔ نخبگان سیاسی ریاض جهت توقف این روند با واقعیت تطابق ندارد. روی هم‌رفته، با توجه به تاریخ نوشته‌شدن این اثر که مربوط به ۲۰۰۶ است، بهره‌های زیادی از آن برای شناخت سیاست عربستان پیش از ۲۰۱۵ برده شد (Mc Milan, 2006).

نوآوری این مقاله در این است که اولاً مدعی وقوع تحولی بزرگ در نگاه عربستان سعودی در قبال عراق است. در واقع، گرچه برخی متوجه تغییر رفتار شده‌اند، به تبیین آن پرداخته‌اند. مزیت دیگر این مقاله در جمع‌آوری اطلاعات به‌روزتر دربارهٔ رابطهٔ ریاض بغداد است. عمدهٔ آثار پژوهشی موجود به مسائل مهم تازه‌رخ داده در روابط سیاسی دو طرف پرداخته‌اند و از همین رو نیاز دیده شد با مذاقه در منابع رسانه‌ای، زمینه‌های لازم برای مقالهٔ پژوهشی فراهم آید.

۱. چهارچوب نظری

گذار در سیاست خارجی عربستان در قبال عراق از تمرکز بر رقابت‌های هویتی به تعاملات اقتصادی تجاری به‌لحاظ نظری، با دو تئوری سازه‌نگاری سطح واحد و نوکارکردگرایی، قابل تبیین است. در واقع، هرکدام از این دو

۱- المملكة العربية السعودية و العراق؛ النفط و الدين و تناحر طويل مستمر

۲- معهد السلام الأمريكي



نظریه، الگوهای رفتاری غالب عربستان سعودی را در دو برهه متفاوت به شکلی مطلوب توضیح می‌دهند. با توجه به اینکه یکی از مفروضات این مقاله، چرخش و دگردیسی در سیاست خارجی عربستان در قبال عراق پساصدام است، نمی‌توان از چهارچوب نظری واحدی برای تبیین و تشریح آن استفاده کرد و از همین رو، به تناسب دو نگاه متفاوت مسئولان ریاض و اقدامات برآمده از آن‌ها، دو نظریه را مورد استفاده قرار دادیم تا ضمن افزودن بر غنای نظری مقاله، از منظری دقیق‌تر، مسئله را موشکافی کنیم.

۱.۲. سازه‌انگاری سطح واحد: با فروپاشی شوروی، زمینه برای معرفی نظریه‌هایی که اصالت را تنها به قدرت نمیدادند، فراهم شد. پایان جنگ سرد، در واقع، تا حد زیادی اصالت قدرت در معادلات بین‌المللی را به چالش کشید. همچنین، نگرش‌های اثبات‌گرایانه تجربی در مطالبات روابط بین‌المللی تا حد زیادی مورد تردید قرار گرفت. یکی از برون‌دادهای این تحول، نظریه سازه‌انگاری بود. این نظریه بر تعاملات اجتماعی در روابط بین‌الملل تأکید دارد. از این منظر، اهداف و منافع کنشگران اجتماعی بر اساس هویت آن‌ها تعریف می‌شود و خاستگاه هویت کنشگران در جوامع مختلف، اعم از فروملی و ملی و فراملی، بستر اجتماعی آن‌هاست (Akbari, 2010: 49). اما نگاه تمامی اصحاب مکتب سازه‌انگاری، به سبب شکل‌گیری و تأثیر هنجارها بر هویت‌ها و هویت‌ها بر سیاست خارجی، یک شکل نبوده است. برخی از سازه‌انگاران معتقدند هنجارهای بین‌المللی، هویت بازیگران را شکل می‌دهند (سیستمیک) و برخی دیگر که سطح واحد خوانده می‌شوند، بر شکل‌گیری هویت دولت‌ها از منبع هنجارهای درونی تأکید دارند. پتر کاتزنشتاین از



بزرگان نحلّه دوم است (Salehian & Simbar, 2018: 173). در سازه‌انگاری سطح محور به جای تأکید بر نظام بین‌المللی بر رابطه هنجارهای اجتماعی، هویت و منافع دولت‌ها تأکید می‌شود. به بیان دیگر، سازه‌انگاران سطح واحد، هویت دولت‌ها را متأثر از منابع داخلی می‌دانند. کاتزنشتاین در کتاب خود با عنوان نرم‌های فرهنگی و امنیت ملی؛ پلیس و ارتش در ژاپن پسا جنگ پس از نگاه گذرا به تجربه اروپا و آمریکا نشان می‌دهد چگونه تغییر هنجارهای ژاپنی در داخل به چرخش عظیم نگاه سیاستمداران این کشور به روابط خارجی و به تبع، تحول در سیاست‌گذاری خارجی این کشور منجر شد (Katzenstein, 2005: 15-45). او شکل‌گیری هویت مشترک را ناشی از اهداف مشترک و درک مشابه از این اهداف می‌داند. وی معتقد است شکل‌گیری سازمانی همچون ناتو در اروپا مرهون میراث تمدنی مشترک غرب و تشکیل هویتی جمعی است؛ پدیده‌ای که در کشورهای آسیایی کمتر یافت می‌شود و از همین رو، سازمانی همچون ناتو را در این منطقه نمی‌یابیم (Katzenstein, 1996).

کاربست سازه‌انگاری سطح واحد در توضیح سیاست خارجی عربستان در قبال به عراق در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ که ریاض از در تقابل با بغداد در آمده بود، بسیار راهگشاست. نظام هویتی عربستان در دوره سقوط صدام به گونه‌ای بنا شده بود که خود را در تضاد با عراق جدید (با قدرت سیاسی زیاد شیعیان و ساختاری نسبتاً دموکراتیک) می‌دید و از همین رو، از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ روابط ریاض و بغداد، دوستانه نبود. در این مقاله، با استفاده از سازه‌انگاری، این نکته را نشان می‌دهیم که نگاه متصلب هویت محور سعودی‌ها پیش از ۲۰۱۶،



باعث بروز اختلافات شدید بغداد با ریاض شده بود. در این دوره، عربستان هویتی عربی‌سنّی برای خود قائل می‌شد و عراق را دولتی صرفاً شیعی و نه عربی می‌انگاشت و از در خصومت با آن درمی‌آمد. به همین دلیل، ریاض بغداد را پایتختی در کنترل ایران شیعی و در ضدّیت با هویت عربی خود می‌دید و خواستار ضربه‌زدن به آن تا جایی بود که پتانسیل هیچ‌گونه بروز تهدیدی به بیرون مرزهایش نداشته باشد.

۲،۲. نوکارکردگرایی: این نظریه در واقع، حاصل تکامل کارکردگرایی است. مبنای اولیه شکل‌گیری نوکارکردگرایی، اتحادیه اقتصادی اروپاست. این اتحادیه در بحبوحه جنگ سرد، راه را برای هم‌گرایی چند دولت اروپایی از طریق همکاری اقتصادی فراهم کرد. بنیان‌گذار اصلی این نظریه را جفری الکساندر^۱ دانسته‌اند (Khaje, 2017: 23). در این مقاله، از نظریات ارنست هاس،^۲ یکی دیگر از بزرگان این مکتب استفاده کرده‌ایم. مطابق نظریات این شاخه از نوکارکردگرایی، با همکاری‌های فنی اقتصادی و دخیل شدن طیف‌های دیگر در روابط دو دولت، به‌مرور، بازیگران مؤثر افزایش پیدا می‌کنند و گروه‌های ذی‌نفوذ دولت‌ها را از نزاع‌طلبی بر پایه انگیزه‌های سیاسی، بازمیدارند (Seifzade, 1990: 194). طبق گفته متفکران این مکتب، هم‌گرایی می‌تواند از منافع هم‌پوش به‌صورت تدریجی آغاز شود و در این بین، منافع اقتصادی به‌احتمال زیاد، بخش بزرگی از منافع هم‌پوش را شکل می‌دهند (خواجه، ۱۳۹۶: ۲۷). به بیان دیگر،

۱- Jeffery Alexander

۲- Ernest Hass



همکاری در زمینه مسائلی با حساسیت کمتر که جزو سیاست‌های ادنی^۱ تلقی میشوند، به‌مرور، راه را برای مسائل حساس که در زمره سیاست اعلی^۲ می‌گنجد، باز می‌کند. البته هاس، اصولاً تفکیک میان اقتصاد و سیاست را ناممکن می‌داند و این یکی از نقاط افتراق میان او با پیشینیان کارکردگرای خود است. از دید وی، آنچه پیوندها میان حوزه‌های مختلف را میسر می‌سازد، مفهوم سرایت^۳ است که باعث می‌شود بهبود عملکرد یک حوزه، به سایر حوزه‌ها نفوذ نماید و برعکس، نقص در یک بخش، باعث بروز نقص در سایر حوزه‌ها شود (Moshirzadeh, 2005: 61).

همان‌گونه که اصول نوکارکردگرایی نشان می‌دهد، پس از ۲۰۱۶، اقدامات ریاض در قبال بغداد به‌گونه‌ای انجام گرفته است که حاکی از نوعی گرایش به هم‌گرایی از طریق همکاری‌های اقتصادی و فنی است. توضیح آنکه عربستان پس از ۲۰۱۶، با مشاهده بیش‌بودن سیاست‌های پیشین، اقداماتی از قبیل بازگشایی سفارت، قراردادهای تجاری و سرمایه‌گذاری را در قبال عراق در دستور کار قرار داد تا بتواند ضمن تغییر ذهنیت نسبتاً منفی عراقی‌ها نسبت به خود، زمینه گسترش محبوبیت را در جامعه همسایه فراهم آورد.

۱. اهمیت عراق برای عربستان

۱- Low Politics

۲- High Politics

۳- Spill Over



برون داده‌های معادلات داخلی عراق نه تنها در سطح محیط پیرامونی این کشور، بلکه گاه در سطح بین‌المللی اثر می‌گذارند. این واقعیت از آنجا نشئت می‌گیرد که پتانسیل‌های عراق در صورت هم‌سویی با هر دولتی، توان بازیگری آن را افزایش چشمگیری می‌دهند. اولین دلیل اهمیت عراق مربوط به ذخایر عظیم نفتی آن است. ذخایر اثبات شده نفت عراق ۱۱۲ میلیارد بشکه است که از این حیث، پس از عربستان رتبه دوم جهان را دارد (Walad & Salem, Al Jazeera, 2016). با وجود بی‌ثباتی و جنگ‌های دامنه‌دار، عراق اکنون به‌طور میانگین، ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز نفت صادر می‌کند که به این ترتیب، سومین صادرکننده نفت پس از عربستان و روسیه است (Akbarzadeh & et.al, 2017: 97) و برنامه دارد این میزان را افزایش نیز بدهد (al Nahar Newspaper, 2/3/2019). پرواضح است که تأثیر سیاست‌های نفتی عراق بر دلارهای نفتی سعودی که شاه‌رگ قدرت این دولت است، اندک نخواهد بود. عراق می‌تواند با افزایش تولید نفت خود، به رقیبی برای سعودی‌ها و عاملی برای برهم‌خوردن قیمت این محصول تبدیل شود.

دومین دلیل اهمیت عراق، مربوط به موقعیت ترانزیتی آن است. این کشور شاه‌راه جغرافیایی و قومی و مذهبی است. اگر ترکیه را کشوری اروپایی در نظر بگیریم، عراق، نقطه وصل آسیا به اروپا خواهد بود. همچنین، عراق تلاقی‌گاه جهان شیعه با سنی است. از سوی دیگر، در عراق، کردها به عرب‌ها می‌رسند و در نهایت، ایران از طریق عراق می‌تواند به جهان عرب وارد شود و بر نفوذ منطقه‌ای خود بیفزاید. متناسب با این بستر جغرافیایی، و فیک السامرائی، کارشناس خبره امنیتی عراقی، به‌درستی، عراق را دروازه شرقی عربها توصیف کرده است (al Samerai, 2012) و به همین علت، مسئولان سعودی، عراق را خط اول دفاعی در برابر ایران به شمار آورده‌اند.



سومین دلیل اهمیت عراق برای عربستان مرزهای مشترک طولانی میان آن دو است که اثرپذیری آن‌ها از یکدیگر را بسیار افزایش می‌دهد. طول مرزهای عربستان و عراق از ۸۱۴ کیلومتر (Saudi Arabia Country Handbook, 2007: 21) تا ۸۷۲ کیلومتر (Ahmad Saeid, 2014: 691) برآورد شده است. دلیل این ابهام در طول مرز، عدم توافق قطعی و نهایی بغداد و ریاض درباره نوار مرزی است. به هر صورت، این مرز طولانی باعث می‌شود عربستان از تحولات عراق شدیداً تأثیر پذیرد و نسبت به آن، حساسیت پیدا کند. در واقع عراق می‌تواند به منبعی برای صدور ناامنی به عربستان تبدیل شود.

دلیل چهارم اهمیت عراق برای عربستان، پتانسیل بسیار آن در تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای است. در مقطع کنونی، سه قدرت منطقه‌ای در غرب آسیا قابل شناسایی هستند: ایران و عربستان و ترکیه. اما همیشه این چینش بدین قرار نبوده است. عراق تا پایان دهه اول حکومت صدام حسین، یکی از قدرت‌های منطقه‌ای بود. هنگام آغاز جنگ علیه ایران، عراق قدرتی هم‌پای عربستان و شاید فراتر از آن تلقی می‌شد. هر دینار عراقی در اوایل دهه ۷۰ میلادی، ۳ برابر ۱ دلار آمریکا ارزش داشت (al Safsaf, 2018: 141). به لحاظ نظامی، صدام ادعا می‌کرد عراق پنجمین قدرت جهان است و در سطح فرهنگی، این کشور «سید عرب» خوانده می‌شد. اکنون هم با وجود سالها جنگ و خونریزی خارجی و داخلی، عراق همچنان ظرفیتی بالقوه برای تبدیل شدن به قدرتی منطقه‌ای دارد. این کشور با ذخایر عظیم نفتی و پتانسیلهای بسیار زیاد برای شکوفایی در بخش کشاورزی و جمعیت جوان، می‌تواند بار دیگر به قدرتی منطقه‌ای تبدیل شود. آنچه نگرانی سعودی‌ها را برمی‌انگیزد، نبود تضمین قرارگرفتن عراق قدرتمند در محور ریاض است. به عبارت دیگر، از دید عربستان، در کشوری که صدام سنی به مرحله‌ای رسید که چند موشک



به خاکش شلیک و حتی شهر خفجی در این کشور را اشغال کرد^۱ (al Kahleej Online, 16/1/2019)، هیچ تضمینی وجود ندارد که رهبران شیعه در مخالفت با سعودی‌ها با ایران متحد نشوند و ضدّ منافع آن‌ها اقدام نکنند.

آخرین دلیلی که عراق را در چشم خاندان سعودی مهم کرده است، به احتمال تبدیل شدن آن به الگویی برای دموکراسی در جهان عرب بازمی‌گردد. با توجه به ظرفیتهای اجتماعی و سیاسی بسیار عراق، برای تأثیرگذاری بر جهان عرب، اگر حکومت دموکراتیک در این کشور به بار بنشیند، می‌تواند الگویی الهام‌بخش برای ملت‌های تحت حاکمیت رژیم‌های پادشاهی منطقه، به‌ویژه عربستان سعودی باشد (Khezri, 2015: 186).

نظر به موارد ذکرشده، حساسیت مقامات سعودی نسبت به روندهای عراق قابل‌درک است. میزان اثرپذیری از عراق برای عربستان به‌حدی زیاد است که ریاض سیاست «یا همه یا هیچ» را در قبال آن در پیش گرفته است. توضیح آنکه ریاض برای مصون‌ماندن از روندهای موجود در عراق، به این جمع‌بندی رسیده است که اگر نتواند این روندها را در کنترل خود دریاورد، باید با ثبات‌زدایی، اثرگذاری بیرونی آن‌ها را از بین ببرد. متأثر از چنین رویکردی، سیاست عربستان در قبال عراق برای نزدیک به ۱۳ سال پی‌ریزی می‌شد که در ادامه، این دوره را می‌پوییم.

۱. سیاست عربستان در قبال عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶: عصر ثبات‌زدایی هویت محور

۱- فاصله این شهر تا ریاض، ۴۱۳ کیلومتر است.



پیش از ورود به مبحث سیاست عربستان در قبال عراق پساصدام، به منظور درک عمیق‌تر لازم است نگاهی اجمالی به روابط میان دو کشور پیش از سقوط صدام داشته باشیم. عنصر وهابیت از بدو ظهور، همواره عاملی برای سرکوب شیعیان عراق توسط سعودی‌ها بوده است. خاندان سعودی، در سالروز عید غدیر سال ۱۲۱۶ قمری، به پیروی از تفکرات محمدبن عبدالوهاب، با سپاهی ۲۵ هزار نفری به کربلا لشکر کشید و دست به کشتار مردم این شهر زد (Ashtiani, 2010: 165). این حادثه اولین سنگ‌بنای ضدیت تشیع عراق با وهابیت سعودی را گذاشت. با پایان جنگ جهانی اول، سعودی‌های وهابی، به منظور گسترش سرزمین تحت کنترل خود، جنگ‌هایی را در داخل عراق به راه انداختند و این نزاع سیاسی نظامی، حتی تا اواخر دهه ۱۹۵۰ که دوره حکومت هاشمی بود، ادامه داشت (Mc Milan, 2006: 4-5). پس از حکومت پادشاهی هم هیچ‌گاه روابط ریاض با بغداد به حد اتحاد نرسید و مسائل مختلف، باعث سردی روابط آن‌ها می‌شد. بهترین دوره روابط دو کشور تنها در زمان حمله صدام به ایران رقم خورد که البته آن هم دیری نپایید. با این اوصاف، عربستان خواستار سقوط دولت صدام نبود؛ زیرا از احتمال قدرت گرفتن شیعیان در همسایگی خود هراس داشت.

نگاهی که در این دوره، سیاست منطقه‌ای عربستان را شکل می‌داد، از وهابیت تغذیه می‌شد. وهابیت ضدشیعی‌ترین فرقه جهان است. شاهد این مدعا را می‌توان در قتل عام مکرر شیعیان از سوی وهابی‌ها در چندین نوبت مشاهده کرد که ذکر برخی از آن‌ها در بالا آمد. این فرقه با چنین گرایش‌های ضدشیعی، ستون مشروعیت‌بخش مذهبی حکومت سعودی بوده و هست و با تریبون‌های عمومی‌ای که در اختیار دارد، نقشی غیرمستقیم و البته ملموس در سیاستگذاری برون‌مرزی عربستان ایفا می‌کند (Naderinasab, 2010: 165).



323: 2010). حکومت سعودی نیز در سال‌های سقوط صدام، متأثر از وهابیت، سیاست‌گذاری کرده است و از آن برای تأمین منافعش بهره برده است (Hedayati & Moradi, 2017: 90). تأثیر این نگاه بر سیاست خارجی سعودی، در کنار عنصر ضدیت با ایران، ریاض را به بحران‌آفرینی در بغداد سوق داد. سعودی‌ها با وجود آنکه از سوی ارتش بعث مورد هجوم قرار گرفته بودند، براندازی صدام را اشتباه بزرگ (Hartmann, 2016: 3) یا حتی بزرگ‌ترین اشتباه آمریکا^۱ می‌دانسته و می‌دانند؛ چراکه این امر را مقدمه قدرت‌گرفتن شیعیان در دستگاه سیاسی عراق و به تبع آن، برهم‌خوردن توازن قوای منطقه به نفع ایران ارزیابی می‌کنند (Darj & Imamjome, 2017: 90). در همین رابطه، سعود فیصل، وزیر خارجه عربستان، در سال ۲۰۰۵ صراحتاً بیان کرد: «حمله آمریکا به عراق، اوضاع را برای ایران بهبود داد و عراق را بدون هیچ دلیلی و به راحتی تقدیم ایران کرد» (Mc Milan, 2006: 4). پس از او هم شخصیت‌های پرنفوذ سعودی، از جمله ولید بن طلال، قدرت‌گرفتن شیعیان در عراق را خیزش شیعی تعبیر کردند و خواستار مهار این بمب ساعتی شدند (Guzan-sky, 2011: 91). در چنین بستری، سیاست ضدیت با قدرت‌گرفتن شیعیان تا سال ۲۰۰۶ و سپس براندازی نظامی دولت غالباً شیعی از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۶ در پیش گرفته شد؛ زیرا در سایه بُعد وهابی هویت سعودی، هرگونه تحرک سیاسی شیعی، وابستگی به ایران و در تضاد با هویت عربی دیده می‌شد که می‌توانست هم اعتراضات سرکوب‌شده شیعیان عربستان نسبت به آل سعود را احیا کند و هم نفوذ میدانی ایران را به سواحل مدیترانه برساند. البته بازخورد سیاست‌های طراحی‌شده تحت‌تأثیر چنین نگاه متصلبی مثبت نبود و شکاف بغداد و ریاض را تعمیق کرد. نمونه بارز این امر را می‌توان در سخنان بیان

۱- محمد بن سلمان، ولیعهد سعودی، در مصاحبه خود تأکید کرده بود که حمله به عراق، بزرگترین اشتباه آمریکا در منطقه بوده است (Time, 5/4/2018)



جبر، وزیر کشور اسبق عراق ملاحظه کرد که در اجلاس رسمی، سعودی‌ها را قومی شترسوار و بدوی‌نشین نامید (Mc Milan, 2006: 4).

بر این اساس، اقدامات سعودی‌ها غالباً ماهیتی ثبات‌زدا داشت و نابسامانی‌های زیادی را در عراق به بار آورد. از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، عربستان نقش بازیگر متعصب وهابی‌ای را ایفا کرد که به هیچ‌روی از درِ سازش با همسایه‌ای که هم‌زمان با عرب‌بودن، شیعه هم باشد، در نمی‌آمد. به عبارت دیگر، ریاض اصولاً تشیع و عرب‌بودن را در تضاد با هم و طبیعتاً جمع آن‌ها را محال می‌دانست. متأثر از چنین نگاه متصلب هویت‌محوری، سعودی‌ها طیفی از اقدامات ثبات‌زدا در عراق انجام دادند که تنش موجود میان دو طرف را تشدید کردند. در ادامه، برخی از این اقدامات ثبات‌زدا را برمی‌شماریم.

۱،۴. ایجاد تروریسم و و حمایت از آن: اگر سیاست خارجی یک کشور بر مبنای هویت و نگاه سازه‌انگارانه ترسیم گردد و به‌خصوص، نگاه هویتی^۵ متصلب و خشک باشد، رویکرد غیریت‌ساز مخربی به وجود می‌آید که نتیجه آن، حذف هویت غیر خواهد بود. یکی از اصلی‌ترین اقداماتی که نگارندگان مقاله حاضر در سیاست عربستان در قبال عراق پیش از ۲۰۱۶ احصا کرده‌اند، صدور تروریسم بوده است. گرچه در سیاست‌های اعلامی، دولت عربستان هیچ‌گاه مسئولیت حمایت از تروریست‌های حاضر در عراق را نپذیرفت، شواهد بسیاری از حمایت یا حداقل سکوت عمدی آن در قبال تروریست‌ها وجود دارد. روند انتقال پیکارجویان سلفی از عربستان به عراق، از بدو سقوط صدام، با صدور فتوای مبارزه با صلیبیون از سوی علمای وهابی آغاز شد (Gause, 2007: 3) و تا آنجا پیش رفت که حتی نایف بن عبدالعزیز، وزیر کشور عربستان در سال ۲۰۰۵



رسماً وجود آن را تأیید کرد و گفت: «از کسانی که به عراق رفته‌اند، انتظار بدترین کارها را داریم.» همین افراد ۷۵ درصد عملیات‌های انتحاری در عراق را انجام دادند (Mc Milan, 2006: 3). البته این روند در همین جا متوقف نشد؛ بلکه از ۲۰۰۶، هم‌زمان با پیروزی شیعیان در انتخابات سراسری، شدت بیشتری یافت.

در دسامبر ۲۰۰۶، ۳۸ تن از علمای سعودی، جوانان سنّی را به دفاع از هم‌مذهبان خود در مقابله با روافض فراخواندند. در این فتوای مشترک، شیعیان، برای اسلام، خطرناک‌تر از یهود معرفی شدند (Gause, 2007: 3). موج اول صدور تروریسم در پی همین فتوا رخ داد که طی آن، طبق برخی برآوردها، ظرف یک سال، ۵ هزار شهروند سعودی، بدون هیچ مانعی از سوی مرزبانان این کشور (Wynbrandt, 2010: 290) روانه جنگ علیه دولت تازه‌تأسیس عراق شدند (Hegghammer, 2007: 15). تمامی این تحولات در حالی رخ می‌داد که مسئولان سعودی، به‌منظور نمایش پایبندی خود به قوانین بین‌المللی، تروریست‌های اعزامی را افرادی خودسر و افراطی می‌نامیدند. ولی حمایت‌های مالی و تسلیحاتی شهروندان سعودی از تروریست‌ها آن اندازه بود که حتی اندیشکده رند، وابسته به نیروی دریایی آمریکا هم به آن معترف است (Khalili, 2008: 53).

در اواسط ۲۰۱۴، دوره دوم فوران تروریسم^۲ در عراق، باز هم با حمایت سعودی‌ها آغاز شد. به دنبال اشغال موصل توسط داعش،

RAND - 1

۲- دو دوره فوران تروریسم در عراق می‌توان در نظر گرفت: یکی سال ۲۰۰۶ که با انفجارهای حرم‌های سامرا آغاز شد و دیگری سال ۲۰۱۴ که آغاز آن سقوط موصل بود.



ریاض همچون گذشته در سیاست اعلامی خود، آن را محکوم کرد و حتی با کشیدن دیوار مرزی (Jenkins, 2016: 6) در ائتلاف آمریکا برای مبارزه با داعش شرکت کرد؛ ولی به مرور، شواهدی متقن نشان داد این اقدامات و اظهارات نمایشی بوده‌اند. طبق گزارش‌های میدانی، درست در همان برهه که ریاض داعش را محکوم می‌کرد، اماکن دولتی آن به محل ثبت‌نام و هاب‌های داوطلب برای اعزام به عراق تبدیل شده بود (BBC, 19/6/2014). از این گذشته، در حالی که ۱۶ ماه از اشغال موصل می‌گذشت، میزان فعالیت ریاض در ائتلاف موسوم به ضد‌داعش به تنها هفت حمله هوایی، آن هم در سوریه و نه در عراق باقی ماند (Jenkins, 2016: 10). جالب آنکه با وجود دیوار مرزی، طبق اعلام وزارت داخله عربستان، تا سال ۲۰۱۶ بیش از ۳ هزار شهروند این کشور به صف داعش پیوسته بودند (Gaub, 2016: 3). مستندات از این دست، تناقض آشکار و احتمالاً عمدی سیاست اعلامی و اعمالی سعودی‌ها در قبال صدور تروریسم تکفیری به عراق را نشان می‌دهد.

۲.۴. فعال کردن گسل‌های مذهبی: از زمان سقوط صدام، به‌عنوان عامل سرکوب شیعیان عراق، عربستان سعودی یکی از ستون‌های سیاست خود در قبال جامعه این کشور را فعال کردن گسل‌های مذهبی قرار داد تا از طریق دامن‌زدن به ناآرامی‌ها، شیعیان را از انگیزه‌دادن به هم‌تایان خود در عربستان دور کند و هم‌زمان، آن‌ها را به اعطای سهمی بیشتر از قدرت به سنی‌ها وادار کند. از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، رسانه‌های سعودی در اغلب اخبار خود دربارهٔ عراق، ضد گروه‌های مسلح غیردولتی شیعی که آن را شبه‌نظامیان شیعه



می‌نامیدند، تیترا زده و آن‌ها را در کنار ارتش عراق، عوامل سرکوب سنی‌ها معرفی می‌کردند. منابع وابسته به مدارس دینی عربستان در عراق، دائماً شیعیان را روافض می‌خواندند و برخی گروه‌های سیاسی سنی نزدیک به عربستان نیز نخست‌وزیر شیعه، نوری المالکی را متهم به کنار گذاشتن سنی‌ها می‌کردند. تداوم این فعالیت‌ها باعث بروز شکاف گسترده در جامعه عراق شد که در جریان اعتصاب‌های الانبار در ۲۰۱۱ شدت پیدا کرد و در سال ۲۰۱۴ با سقوط موصل و استقبال گروهی از سنی‌ها از اعضای داعش به اوج خود رسید.

۳،۴. تضعیف جایگاه قوه مجریه: با به قدرت رسیدن حزب الدعوه، به‌عنوان ارگانی که بیشترین نزدیکی را به ایران داشت، سعودی‌ها قوه مجریه عراق را عامل دست ایران معرفی و به‌ویژه تلاش کردند و جهت نوری المالکی را تخریب کنند. به‌عبارت دیگر، آل سعود کوشید با وارد کردن اتهام فرقه‌گرایی و اطاعت محض از ایران به قوه مجریه عراق، جایگاه آن را تضعیف کند.^۱ ریاض جزو آخرین دولت‌هایی بود که دولت المالکی را به رسمیت شناخت (Pashang & Zomorodi, 2014: 492). البته سعودی‌ها در این بازه زمانی، یک بار با ارسال پیام دیپلماتیک به نوری المالکی از طریق سعد الحیرری تأکید داشتند خواستار ضربه زدن به منافع عراق نیستند^۲ و تا حدودی تلاش کردند اعتماد وی را به دست آورند؛ اما با عدم استقبال رسمی از وی هنگام سفر به ریاض (Akhbarol saat, 2008: 6) نشان دادند استراتژی اصلی آن‌ها تضعیف نخست‌وزیر عراق است.

۱- شواهد بسیار زیادی دال بر عدم تبعیت محض دولت نوری المالکی از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که رابطه دیپلماتیک با آمریکا و دستور به بازرسی هواپیماهای ارسالی از تهران به دمشق از جمله مهم‌ترین آن‌هاست.



تخریب وجهه قوه مجریه عراق تنها ماهیت سیاسی نداشت؛ بلکه گاه جنبه‌های اقتصادی نیز به خود می‌گرفت. عربستان دو بار، یک بار در سفر ایاد علاوی به ریاض در ۲۰۰۴ و بار دیگر در کنفرانس شرم‌الشیخ در ۲۰۰۵، وعده اعطای ۱ میلیارد دلار برای بازسازی عراق داد؛ اما هرگز به آن عمل نکرد. پادشاه سعودی در سال ۲۰۰۶ وعده داد ۳۰۰ میلیون دلار برای کمک‌های بشردوستانه به عراق اعطا می‌کند که این وعده نیز عملی نشد. در خصوص بخشودگی بدهی‌های عراق به عربستان هم، سعودی‌ها تنها به وعده آمادگی برای تخفیف از سوی سعود فیصل، وزیر خارجه وقت، اکتفا کردند که در نهایت این وعده نیز محقق نشد (Milan Mc, 2006: 11). این خلف وعده‌ها در واقع به ظرفیت‌های برنامه‌ریزی مالی قوه مجریه عراق ضربه زد و مشروعیت کارآمدی آن را در نگاه عراقی‌ها پایین آورد.

از جنبه دیگر، سعودی‌ها گروه‌های سنی معارض دولت را تحت حمایت قرار دادند. این گروه‌ها شامل حزب اسلامی، شورای روحانیون مسلمان، شورای گفت‌وگوی ملی، قبایل و عشایر سنی مرزنشین (Ebrahimi, 2010: 113) و از همه مهم‌تر، ائتلاف العراقیه، بهره‌بری ایاد علاوی بودند که مورد آخر در انتخابات سال ۲۰۱۰ موفق شد بیشترین کرسی را کسب کند. با وجود این موفقیت، العراقیه نهایتاً در تعیین نخست‌وزیر ناکام ماند^۱ و همین شکست، ریاض را ناچار به تداوم حمله علیه بغداد کرد سیاست‌های خصمانه‌ای که به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره شد، راه هرگونه بهبود

۱- عربستان پس از انتخابات ۲۰۱۰، برای موفق شدن در تعیین نخست‌وزیر، کوشید با دعوت از طرف‌های متنازع ضد ایرانی (2010:18, Allison)، آن‌ها را زیر چتر العراقیه جمع کند ولی در نهایت شکست خورد.



روابط میان ریاض و بغداد در دوره نوری المالکی را بست و خشم وی را تا آنجا برانگیخت که در اتحادیه عرب و سازمان ملل، علناً نسبت به اقدامات منفی سعودی‌ها در کشور خود لب به اعتراض می‌گشود (Zomorodi & Pashang, 2014: 494).

۴,۴. منزوی‌سازی دولت عراق در جهان عرب: با توجه به نگاه هویت‌محور متصلب حاکم بر دستگاه سیاست خارجی سعودی، در دهه اول پس از سقوط صدام، مسئولان این کشور تمام تلاش خود را به کار بستند تا برای فشار بر دولت عمده‌تأشیعۀ عراق، آن را در جهان عرب منزوی سازند. در این راستا، هویتی که از دولت عراق در رسانه‌های سعودی به سایر کشورهای عربی مخابره می‌شد، عاری از هرگونه عرویت، با اتمام ویژه به تشیع و پیرو محض جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان هویت متضاد با جهان عرب بود. نگارندگان این مقاله بر این باورند که دستگاه سیاست خارجی سعودی با به‌میان آوردن تنبیه و پاداش برای نزدیکی و دوری از دولت بغداد، به‌دنبال آن بودند که کشورهای عربی را از عادی‌سازی روابط با دولت جدید عراق بر حذر دارند، سیاستی که با نظر به روابط سرد و کم‌رمتق دولت نوری المالکی با کشورهای عربی، به‌ویژه دولت‌های حاشیۀ خلیج فارس، می‌توان تاحدودی آن را توأم با موفقیت دید.

به‌طور خلاصه، طبق پژوهش‌های نویسندگان مقاله، ریاض پس از سقوط صدام و با روی کار آمدن نخست‌وزیر شیعه نزدیک به ایران، متأثر از نگاه سازه‌نگارانه سلبی و متصلب که بر مسئولان آن حاکم بود، کمپینی رسانه‌ای و سیاسی (در سطح داخلی و خارجی) و اقتصادی برای تضعیف قوه مجریه



عراق به راه انداخت و با فعال کردن گسل‌های مذهبی موجود در کشور همسایه و صدور تروریسم وهابی به آن، شیعیان را در راستای اعطای سهم بیش از حد به سنی‌ها تحت فشار گذاشت؛ ولی نتوانست به موفقیت دست یابد. البته اثبات بی‌نتیجه‌بودن این سیاست‌ها، تا نزدیک سال ۲۰۱۶ زمان برد؛ ولی سرانجام مسئولان سعودی را وادار به چرخش نگاه و اقدامات در قبال عراق کرد.

۱. سیاست عربستان در قبال عراق از ۲۰۱۶ تا پایان ۲۰۱۹: تنش‌زدایی نوکارکردگرایانه

تا ابتدای سال ۲۰۱۶، علاوه بر مرگ ملک‌عبدالله، به‌عنوان ضامن محافظه‌کاری خاندان سعودی و روی کار آمدن طیف جوان بهره‌بری محمد بن سلمان، ولیعهد جاهطلب در داخل این کشور، تحولاتی بسیار مهم در سپهر سیاسی، اجتماعی و امنیتی عراق رخ داد که زمینه را برای تغییر در روابط بغداد ریاض فراهم ساخت. البته، تحولات داخلی عراق، بیشتر، نشان‌دهنده شکست سیاست‌های پیشین عربستان بودند که برجسته‌ترین آن‌ها را می‌توان از این قرار دانست: تشکیل حشدالشعبی که به دولت عراق توانی بسیار زیاد برای برقراری ثبات و مبارزه با تروریسم وهابی اعطا کرد، افزایش نفوذ ایران به دلیل نیازمندی دولت بغداد به مستشاران نظامی تهران در سازمان‌دهی حشدالشعبی، رشد انسجام در صفوف شیعیان، ابقای قدرت در حزب الدعوة با وجود تعویض نخست‌وزیر، قطعی شدن شکست داعش با ظهور حشدالشعبی و از بین رفتن انگیزه ثبات‌زدایی در میان اهل سنت. به عبارت دیگر، هنگامی که اعتصاب‌های الانبار در سال ۲۰۱۱ آغاز شد، عربستان امید داشت با تکیه بر این جریان، دولت غالباً شیعه نزدیک به ایران را براندازد. اوج این تلاش برای براندازی با ظهور داعش به نمایش درآمد و مسئولان سعودی احتمالاً



انتظار داشتند خیلی زود شاهد کناره‌گیری نخست‌وزیر عضو حزب الدعوه یا اشغال بغداد به دست باقی‌مانده‌های بعث و داعش باشند. اما تمامی این سناریوهای مطلوب، با تأسیس حشدالشعبی و اتحاد میان صفوف شیعه، کنار زده شد. نوری المالکی هم گرچه تحت فشارها کنار رفت، سمت نخست‌وزیری در اختیار شیعیان، با سابقه روابط گسترده با ایران (حزب الدعوه) باقی ماند. برآیند این واکنش‌ها، ریاض را ناچار به ترک سیاست کنارزدن شیعیان از قدرت و تبدیل عراق به بازیگری ضد ایرانی کرد. بنابراین از سال ۲۰۱۶، مسئولان سعودی دست به اقداماتی در قبال عراق زدند که در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶، تصور آن هم ممکن نبود.

در سال ۲۰۱۶ تحولی رخ داد که می‌توان آن را یک نقطه عطف برشمرد. در ژانویه ۲۰۱۶، ثامر السبهان^۱ به‌عنوان اولین سفیر دائم پادشاهی سعودی در جمهوری عراق معرفی شد. اهمیت این انتصاب از آن روست که عربستان پس از ۲۵ سال، یعنی از بعد از حمله رژیم بعث به کویت، روابط خود با عراق را به سطح سفیر ارتقا می‌داد (Toumi, Gulf News, 13/8/2015). البته عربستان، پیش‌تر، در سال ۲۰۱۲ هم سفیری برای عراق تعیین کرده بود؛ ولی نه به‌صورت مقیم، بلکه به‌صورت آکردیته (Moradi & et.al, 2017: 198) و محل مأموریت اصلی‌اش اردن بود. تعیین سفیر آکردیته برای عراق، نشان از آن داشت که هنوز عزمی راسخ برای تعامل سیاسی مثبت با دولت عراق وجود ندارد و از همین روست که مبدأ تحول را نمی‌توان سال ۲۰۱۲ دانست. اولین سفیر مقیم عربستان در عراق پس‌اصدام با نگاه‌های ضد شیعی خود، اظهارات مداخله‌جویانه بسیاری به زبان آورد و سرانجام، به‌عنوان عنصر



نامطلوب معرفی و پس از گذشت تنها ۹ ماه، از عراق اخراج شد (Dorsey, 2017). با وجود اخراج السبهان، تعامل سیاسی با عراق در این برهه زمانی آنقدر برای آل سعود اهمیت داشت که بدون هیچ وقفه‌ای، سفیر جایگزین معرفی شد تا کانالهای دیپلماتیک با دولت همسایه همچنان باز باقی بمانند. به موازات این تحرکات دیپلماتیک، ریاض در راستای گسترش همکاری فرهنگی و اقتصادی نیز گام‌هایی برداشت تا بدین ترتیب با همکاری در حوزه سیاست‌های ادنی، راه را برای نفوذ در سیاست اعلی باز کند. در این بستر، اقدامات عربستان در قبال عراق، جنبه منفی و طردگرایانه خود را از دست داد و به گونه‌ای طراحی شد که به جای ایجاد دشمنی میان بغداد غالباً شیعی و ریاض وهابی، نوعی از همکاری و همسویی میان آن دو شکل بگیرد. در ادامه، به تشریح برخی از این اقدامات می‌پردازیم.

۱,۵. گشایش تبادلات تجاری و اقتصادی: همکاری اقتصادی یکی از اصلی‌ترین راه‌های مورد تأکید نوکارکردگرایان برای گسترش روابط است. اصولاً از دید این گروه، نمونه اصلی نوکارکردگرایی در اروپا، با همکاری در زمینه زغال‌سنگ و فولاد، کار خود را شروع شد. نشانه‌های گشایش روابط اقتصادی ریاض بغداد از سال ۲۰۱۶ واضح است. هیئت‌های تجاری سعودی در چندین نوبت به عراق سفر کرده‌اند و انتظار می‌رود در آینده‌ای نه‌چندان دور، حجم صادرات کالای سعودی به عراق افزایش چشمگیری یابد. نشانه‌های دیگر گسترش روابط میان دو طرف، بازگشایی گذرگاه مرزی عرعر پس از نزدیک به ۳۰ سال از سوی عربستان برای عبور حجاج در سال ۲۰۱۷ بود. بنا بر اخبار رسانه‌ای، دولت سعودی ۵۰۰ میلیون دلار برای احداث تأسیسات مرزی در این گذرگاه اختصاص داده و قصد دارد



آن را به بزرگ‌ترین گذرگاه تجاری خود در مرزهای شمالی تبدیل کند (al Qaisi, Sharq al Awsat Newspaper, 2018/11/30) و گام اول را با افتتاح نمادین آن در آذر ۱۳۹۸ برداشته است. همچنین، خطوط هوایی عربستان، پرواز مستقیم بغدادریاض را پس از گذشت بیش از دو دهه از سر گرفت (Al-Jubair, 2018: 19) که نمونه‌ای دیگر از گشایش روابط میان دو کشور است. نمایشگاه کالای سعودی در عراق و حضور فعال عربستان در نمایشگاه بغداد، نشان از گرایش آل سعود به همکاری اقتصادی با عراق دارد، تحولی که از سال ۲۰۱۶ به بعد رخ داده است.

۲.۵. کمکهای مالی و سرمایه‌گذاری: عراق پس از نابودی داعش، گرچه از جنگی سخت پیروز بیرون آمد، وارد کارزار اقتصادی بزرگ و سختی شد که آن را نیازمند سرمایه‌گذاری و وام و کمک بلاعوض خارجی می‌کرد. به همین سبب، دولتمردان این کشور از کنفرانس بازسازی در کویت در سال ۲۰۱۸ استقبال کردند. در این کنفرانس، سعودی‌ها متعهد شدند ۱ میلیارد دلار برای بازسازی و ۵۰۰ میلیون دلار برای توسعه صادرات عراق اختصاص دهند^۱ (Al-Jubair, 2018: 18). همچنین، ریاض طرح‌هایی کلان را به عراق برای صادرات برق و ساخت نیروگاه (Rudaw, 30/7/2018) و همچنین تبدیل کردن ۱ میلیون هکتار از بیابان‌های استان‌های مرزی المثنی و الانبار به زمین کشاورزی پیشنهاد داد (Dinar Daily, 10/1/2019). اهمیت پروژه آخر تنها در گستره وسیع آن نیست؛ بلکه سختی آن نیز دارای اهمیت است؛ چراکه این نواحی، سراسر بیابان و تبدیل آن به زمین کشاورزی بسیار

۱- البته گویا هنوز بسیاری از این کمک‌ها به دست دولت عراق نرسیده زیرا محمد علی حکیم، وزیر خارجه سابق عراق، در کنفرانس اقتصادی اتحادیه عرب در قاهره، خطاب به دولت‌های عربی گفته که به تعهدات خود در کنفرانس بازسازی کویت عمل کنند.



مشکل است (Sadeqi & et.al, 2016: 141). اصرار بر این پروژه نشان از عزم راسخ عربستان برای اصلاح وجهه خود در عراق و البته نفوذ در نواحی مرزی این کشور دارد.

۳.۵. تحیب طیف‌های سیاسی شیعی: در نوکارکردگرایی، تأکید بر جلوگیری از تنش و آغاز نکردن از سیاست اعلی است. هم‌سو با همین دیدگاه، شاهد بوده‌ایم که برخلاف سال‌های گذشته، پس از ۲۰۱۶، نمایندگان ریاض با دشمنان دیرین خود در عراق دیدارهای صمیمانه‌ای انجام دادند. مقتدی صدر رسماً به کاخ سعودی‌ها دعوت شد و پس از دیدار با محمد بن سلمان و گرفتن وعده کمک ۱۰ میلیون دلاری، عربستان را پدر پر قدرت عرب خواند (CNN Arabic, 1/8/2017). سال بعد، پس از انتخابات پارلمانی در عراق و موفقیت لیست سائرون، ثامر السبهان، سفیر سابق ریاض نزد بغداد، در پیامی توثیقی این پیروزی را به صدر تبریک گفت. در کنار صدر، مقامات سعودی تلاش‌هایی برای جذب حکیم انجام دادند که هرچند نتوانستند او را برای سفر به ریاض قانع کنند، مجوز دیدار با او در دفترش را پیدا کردند و طبق برخی گزارش‌ها، ۱۰ میلیون دلار برای ارگان رسانه‌ای تحت نظر او، یعنی الفرات نیوز، اختصاص دادند (Iranian Diplomacy, 10/2/2018). تلاش برای جذب سایر طیف‌های سیاسی شیعی، نظیر ائتلاف نصر، به‌رهبری حیدر العبادی، و نیز دعوت مخصوص از وی برای سفر حج سال ۲۰۱۹، ملاقات رسمی با فالح فیاض، عضو الدعوه و رئیس هیئت حشدالشعبی هم از همین دست است.

۴.۵. ارتقای روابط سیاسی با دولت عراق: همان طور که نوکارکردگرایان تأکید دارند، همکاری در سیاست ادنی، هم‌گرایی در



سیاست اعلی را به دنبال می آورد. مطابق این نگاه، در سال ۲۰۱۷، حیدر العبادی، نخست وزیر اسبق عراق، طی دعوتی رسمی، وارد ریاض شد و از وی استقبالی گرم به عمل آمد. در این سفر، توافق‌هایی متعدد میان دو طرف به امضا رسید که برجسته‌ترین آن‌ها در تأسیس «شورای همکاری عراق عربستان» به نمایش درآمد. گفتنی است پیش از این، سفر عادل الجبیر به بغداد با عنوان وزیر خارجه پادشاهی سعودی که پس از جنگ کوبت بی سابقه بود، زمینه‌های این سطح از گشایش روابط سیاسی را فراهم کرده بود. در قالب این تبادل دیدارها، حتی قرار بر این شد محمد بن سلمان نیز به عراق سفر کند (Mostafa, Iraqi News, 18/2/2018) که به دلیل مخالفت آیت الله سیستانی و اعتراضات مردم، در نهایت، ولیعهد سعودی از این تصمیم منصرف شد.^۱ رفت و آمد میان سعودی‌ها و مقامات عراقی در دوره حیدر العبادی از چنان رشدی برخوردار شد که عربستان برای حفظ این روند، سرمایه‌گذاری اصلی خود را در انتخابات ۲۰۱۸ روی العبادی انجام داد (Al Jazeera Research Center, 2018: 5). با این حال و با وجود شکست العبادی، در دولت بعدی نیز تبادل دیدارها همچنان حفظ شد و عادل عبدالمهدی هم به عنوان جانشین العبادی، به ریاض سفر رسمی داشت و مقامات سعودی را به حضور پذیرفت. سیاستی مشابه در قبال مصطفی الکاظمی هم پیگیری شد؛ به نحوی که عربستان اولین مقصد سفر خارجی دولت وی شد. اهمیت حفظ این دستاورد برای سعودی‌ها به حدی زیاد بود که آن‌ها هیچ‌گاه در خصوص اعتراضات اکتبر ۲۰۱۹ این کشور موضع‌گیری نکردند و به

۱- مقامات سعودی پس از مدت‌ها از انتشار خبر سفر بن سلمان به عراق ادعا کردند که از ابتدا تصمیمی به چنین سفری گرفته نشده و این یک شایعه رسانه‌ای بوده است.



مناسبات دیپلماتیک خود ادامه دادند. این در حالی است که بسیاری از کشورها، از جمله آمریکا، در مقابل این اعتراضات بارها موضع گرفته و دولت عراق را تحت فشار قرار داده بودند.

۵.۵. دیپلماسی ورزشی: در جریان روند بهبود روابط دو پایتخت عربی، ورزش هم به عنوان نیرویی تسهیل کننده به کار گرفته شده است. در گام نخست، دو تیم ملی فوتبال عربستان و عراق رقابتی دوستانه در ورزشگاه تازه تأسیس بصره داشتند.^۱ در این دیدار، برخی از تماشاگران عراقی با سردادن شعارهایی در تمجید از عربستان و بالابردن پرچم این کشور، جلوه‌ای از تأثیر مثبت این بازی دوستانه^۲ بر تصویر ملی سعودی نزد افکار عمومی عراق را نشان دادند و این موضوع، برای مقامات ریاض بسیار جالب توجه بود و ملک سلمان را بر آن داشت که به فاصله کمی پس از مسابقه مذکور، شخصاً طی تماسی تلفنی با حیدر العبادی، وعده تقبل هزینه برای ساخت استادیوم فوتبال مجهز در عراق را بدهد (Albayan Center, 7/3/2018). مطابق آخرین اخبار رسیده تا زمان نگارش این مقاله، این ورزشگاه با نام «المهدی» قرار است در شهر نجف ساخته شود (Sumeria News, 7/10/2018) و امکان تبدیل شدن آن به یک شهرک ورزشی بزرگ هم وجود دارد. این اقدامات نشان می‌دهد ریاض هم‌سو با رویکرد نئوکارکردگرایانه به دنبال آن است که از ورزش، برای تحکیم ارتباطات سیاسی با بغداد بهره ببرد.

نتیجه گیری

۱- این مسابقه، اولین بازی برگزار شده در ورزشگاه مذکور بود.

۲- National Image



عربستان پس از سقوط صدام، به شدت نسبت به روندهای داخلی عراق حساس شده است. از نگاه وهابیت که در سال ۲۰۰۳ به عنوان انگاره هویتی مهمی بر دستگاه سیاست خارجی سعودی سایه افکنده بود، استقرار دولتی شیعه و دموکراتیک که نزدیک به ایران باشد، قابل تحمل نبود. به همین دلیل، مسئولان سعودی دست به اقداماتی از این قبیل زدند: صدور تروریسم وهابی، تضعیف جایگاه قوه مجریه به ویژه نخست وزیر، منزوی سازی دولت عراق در جهان عرب و دامن زدن به تنش های مذهبی در عراق. نویسندگان این مقاله این دست اقدامات را در قالب نظریه سازه انگاری قابل تحلیل می بینند؛ چراکه در این نظریه، بر هویت و نقش انگاره های هویتی، به عنوان عوامل شکل دهنده به اقدامات دولت، تأکید می شود. این اقدامات تنش زا که کم و بیش تا ۲۰۱۶ ادامه یافت، بر اساس دغدغه های هویتی و البته مخرب، قابل تحلیل است. به عبارت صریح تر، حکومت سعودی با وهابی گری متصلب، به دولت عمده تاً شیعه عراق، نگاهی سلبی داشت و برای مقابله با تشیع در همسایگی خود، ثبات زدایی در عراق را در دستور کار قرار داد. نتیجه بودن این اقدامات تا سال ۲۰۱۶، با تشکیل حشد الشعبی، روشن شدن شکست قطعی داعش و افزایش اتحاد در صف شیعیان روشن شد. متعاقب اثبات شکست سیاست های پیشین و همچنین با تغییر دستگاه تصمیم گیر در ریاض پس از مرگ ملک عبدالله، دو عامل بیرونی و درونی برای گذار عربستان از نگاه های متصلب هویتی و اقدامات سلبی به نگاه باز سودمحور با اقدامات همکاری جویانه فراهم شد. متعاقب این تغییر رویکرد کلان، برای اولین بار پس از اشغال کویت، ریاض در سال ۲۰۱۶ سفیر مقیم به بغداد فرستاد و آهسته و پیوسته، به همکاری در حوزه سیاست های ادنی، نظیر گسترش همکاری های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی با عراق روی آورد و



به جای ثبات‌زدایی، مشی تنش‌زدایی در پیش گرفت. تا هنگام نگارش این مقاله، مقامات عربستان در زمینه تجارت، تسهیل عبور و مرور شهروندان، تقویت زیرساخت‌های کشاورزی و برق، رایزنی‌های مهمی با هم‌تایان عراقی خود داشته‌اند و این مشی را در هر سه دولت العبادی و عبدالمهدی و الکاظمی حفظ کرده‌اند. نگارندگان این مقاله بر این باورند که تمامی این اقدامات با هدف سرایت‌دادن هم‌گرایی به حوزه سیاست اعلی پیگیری شده‌اند که در چهارچوب نظریه نوکارکردگرایی قابل تحلیل است.

در هر صورت، برخلاف شیوه اقدام، هدف کلان سیاست خارجی عربستان پس از ۲۰۰۳ تغییری نکرده و همچنان مقصود اصلی ریاض مقابله با نفوذ تهران در عراق است. بنابراین، تبدیل ثبات‌زدایی به تنش‌زدایی از سوی سعودی‌ها ناشی از تغییر نگاه آن‌ها در شیوه دستیابی به یک هدف در عراق است، نه تغییر خود هدف. از این رو، اقداماتی نظیر ساخت و بازگشایی گذرگاه مرزی، سرمایه‌گذاری در بخش ورزشی و کشاورزی و نیز کمک‌های بلاعوض برای بازسازی با این امید انجام می‌شود که جذابیت عربستان برای عراق افزایش یابد و هم‌زمان گرایش به ایران برای این کشور کاهش یابد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



References

1. "From Saudi 10 million dollars aid to Ammar Hakim to firing 50% of Arabic CNN staffs" (2018/2/10) Iranian Diplomacy, Online Available at: www.irdiplomacy.ir/fa/news/1975165 [20/10/2020. **[In Persian]**]
2. Ebrahimi, Nabollah. (2010). The vision of Arab Countries and New Iraq Relation, *Strategic Studies Quarterly*, 7 (59), p 123-150. **[In Persian]**
3. Akbarzade, Fereyduun; Jalalpour, Shiva; Jafari, Abutaleb. (2017). Saudi External Relations from 2005 to 2013 by focusing on Iraq Changes, *Political Science Quarterly*, 14 (42), p 83-104. **[In Persian]**
4. Akbari, Hossein. (2009). *Iraq Geopolitical Nightmare: Impact of Iraq Occupation on Iran's Power*. Tehran: Andishesazan Noor research Institute.
5. Ashtiani, Ali. (2010). Saudi Arabia and Wahhabis Textbook, *Tehran, Mashar Published*, 12th edition. **[In Persian]**
6. Pashang, Ardeshir; Zomorodi, Zahra. (2014) Survey of Iraq Political Developments in the Shadow of Iran, *Turkey and Saudi Foreign Policy, Foreign Policy Journal*, 3(28), p 477-499, **[In Persian]**
7. Khezri, Ehsan. (2015). An Investigation of the Reasons for Conflict between Iran and Saudi Arabia (The Case Study Conflicts in Iraq, Bahrain, and Yemen), *Political and International Research Quarterly*, 7(23), p 179-207. **[In Persian]**



8. Khailli, Hossein. (2008). Security Crisis Escalating During preemptive Operation in Iraq, *Politics Quarterly*, 1(38), p 39-69. [In Persian].
9. Khaje, Hossein. (2017) .Survey and Criticizing the Structural Functionalism and Neo_Functionalism, *International Political Studies Journal*, 3(2), p16-34. [In Persian]
10. Darj, Hamid; Imamjome, Javad. (2018). The Analysis of Saudi Arabia attitude towards Syria Changes, *Political and International Approaches*, 4(50), p 86-120. [In Persian].
11. al Samerai, Wafiq. (2012). Abolishment of Eastern Gate, Tehran, *Center of War Study and Resaech*, 7th Edition. [In Persian]
12. Seifzade, Hossein. (1990). *Theories Contradiction in International Relations*, Tehran: Safir Publisher. [In Persian]
13. Sadeqi, Shamsl Marabi, Mehdi, Aksa, Narges. (2016). Iraq-Iran, the landscape on Turning the Relation Strategic, *International Relation Research Quarterly*, 1(22), p129-162. [In Persian]
14. Moradi, Sajjad. (2016). Identity Ideas and Explanation of Saudi policy Towards Iraq, *Politics Strategic Research Quarterly*, 6(21), p197-225. [In Persian]
15. Naderinasab, Parviz. (2010). challenges in I.R.I and Saudi Arabia Relations at the Region, *Politics Quarterly*, 1(40), p 315-326. [In Persian]
16. Moshirzade, Homeira. (2005). *Upheavals in International Relation*, Tehran: SAMT Publisher. [In Persian]
17. Hedayati, Mahdi; Moradi, Sajjad. (2017). Explanation of Saudi Arabia



- Policy towards Takfiri Terrorism in Iraq and Syria, *Political International Research Quarterly*, 9(30), p 89-116. [In Persian]
18. "Saudi Arabia Presents Iraq a Football Stadium" (7/3/2018) al Bayan Center, Online Available at: <https://www.albayan.ae/one-world/arabs/2018-03-07-1.3204063> [10/10/2020]. [In Arabic]
19. "The Nominees Locations for the Saudi Gifted al Mahdi Football Stadium (10/2018) Sumarie News, Online Available at: <https://www.alsumaria.tv/news/232201> [10/10/2020]. [In Arabic]
20. "Border Entrance Committee Announces the opening Arar Entrance with Saudi is close", Sharq al Awsat, Online Available at: <https://aawsat.com/home/article/1484166> [10/10/2020]. [In Arabic]
21. "Iraq Oil Exports raises to 3.73 Million Barrels Daily" (2/3/2019), al Nahar Newspaper, Online Available at: <https://www.annahar.com/article/920630> [10/10/2020]. [In Arabic]
22. "Story of Qatari Army Defending Riyadh During the Gulf War" (16/1/2019) al Khaleej Online, Available at: <https://alkhaleejonline.net/%D8%B3%D9%8A%D8%A> [10/10/2020]. [In Arabic]
23. "Muqtada Sadr After Meeting MBS: This is the Results" (2017) Arabic CNN, Online available at: <https://arabic.cnn.com/middle-east/2017/08/01/muqtada-al-sadr-visit-saudi-results> [9/8/2019]. [In Arabic]
24. Ahmad Saeid, Ibrahim. (2014). The Borders and Geopolitical Issues in Eastern Arab Region, *Journal of Damascus University*, (3), p 669-705. [In Arabic]



25. Akhbar al saat. (2008). *Emirates Position is Steadfast and Civilized towards the Islands*, Emirates Center for Strategic research. . [In Arabic]
26. Al Safsaf, Bashir Rajab. (2018). The Destination of Military Aids in Arabic Region and its impacts on Peace and Security, *Journal of Arabic Future*, 3(17), p 127-145. [In Arabic]
27. Al Jazeera Research Center (2018) Parliamentary Election in Iraq: the Lost Opportunity to Overcome Sectarianism and External Meddling, Al Jazeera Report. [In Arabic]
28. Mc Milan, Josef. (2006). *Saudi Arabia Kingdom and Iraq: Oil, Religion and Long Completion Goes On* , American Peace Institution.
29. Walad, Ahmed; Salem, Ahmed. (2016). Iraqi Oil Reserves and Production, Aljazeera, Online Available at: <https://www.aljazeera.net/special-files/pages/71684a9a-631d-4fca-beed-2871c93d3d77> [1/5/2020]. [In Arabic]
30. "Crown Prince Mohammad bin Salman Talks to TIME About Middle East" (5/4/2018) TIME, Online Available at: <http://time.com/5228006/mohammed-bin-salman-interview-transcript-full>
31. "Saudi to Sell Iraq Electricity at Fraction of Cost" (30/7/2018) Rudaw, Online Available at: <http://www.rudaw.net/english/business/300720181>
32. Al- Jubair, Adel. (2018). "A Kingdom in Constant Development", the Diplomat Magazine, *Saudi Arabia Foreign Ministry*, issue 88.
33. Allison, Marissa. (2010). *U.S. and Iranian Strategic Competition: Saudi Arabia and the Gulf States*, Center for Strategic & International Studies.



34. Dorsey, James. (2017). Saudi Arabia's Lebanon Gamble Might Pay Off, *Begin Sadat Center*.
35. Gaub, Florence. (2016). Saudi Arabia and the Islamic Alliance, *EUISS, Brief*, No.1.
36. Gause, Geogry. (2002). The Foreign Policy of Saudi Arabia, *the Foreign Policies of Middle East States*.
37. Guzansky, Yoel. (2011). Made in Iran: The Iranian Involvement in Iraq, *Strategic Assessment*, Vol. 13, No.4.
38. Hartmann, Laura. (2016). Saudi Arabia as a Regional Actor: Threat Perception and Balancing at Home and Abroad. *Sciencespo*.
39. Hegghammer, Thomas. (2007). Saudi militants in Iraq: Backgrounds and recruitment patterns, *Norwegian Defense Research Establishment*.
40. Jenkins, Brian Michael. (2016). A Saudi-Led Military Alliance to Fight Terrorism, *RAND*.
41. Katzenstein, Peter. (1996). Regionalism in Comparative Perspective, *Cooperation and Conflict*, 2(31).
42. Katzenstein, Peter. (2005). Cultural Norms and National Security: Police and Military in Post-War Japan, Cornell University Press.
43. Mostafa, Mohammad. (18/2/2018).Iraq Preparing for Saudi Crown Prince's Visit, Iraqi News, Online Available at: <https://www.iraqinews.com/baghdad-politics/newspaper-iraq-preparing-saudi-crown-princes-visit/>
44. Salehian, Tajodin; Simbar, Reza. (2018). Islamic Republic of Iran So-



- cial Sources in Foreign Policy, *Center for Strategic Studies Journal*, 7(26),166-186.
45. Saudi Arabia Country Hand Book (2007) Marine Corps Intelligence Activity.
46. Saudi Arabia is Moving to Invest 1 Million Hectares of Agricultural Land in Iraq (10/1/2019) Dinar Daily, Online Available at: <http://www.dinar-daily.net/t80596-saudi-arabia-is-moving-to-invest-1-million-hectares-of-agricultural-land-in-iraq>
47. Toumi, Habib. (13/8/2015) . Saudi Embassy in Baghdad to Open after Eid, Gulf News, Online Available at: <https://gulfnews.com/world/gulf/saudi/saudi-embassy-in-baghdad-to-open-after-eid-1.1583504>
48. Wynbrandt, James. (2010). *A Brief History of Saudi Arabia*, Second edition, Facts on Files

پښتونستان د علومو انساني و مطالعاتو فرېنجي
پرتال جامع علومو انساني